

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ سپتمبر ۲۰۲۱

"محمد محقق" و بازی جدید استخباراتی

جمعه ۰۲ میزان ۱۴۰۰ - کابل: مالکیت خصوصی و پیدایش طبقات و نتیجه آن بروز جنگهای طبقاتی، چیزی نبوده و نیست که بتوان در کتاب ها آن را خواند، تا زمانی که مالکیت خصوصی در کل و مالکیت خصوصی بر زمین، اعم از کشتزار ها، مراتع و جنگلات وجود داشته باشد، دعوا و جنگ بر سر مالکیت با پیامد های کوچ اجباری نیز وجود خواهد داشت. تازه ترین مورد در افغانستان ادعا هانیست که فردی به نام "جمهور خان" که خود را متعلق به قوم "تیموری" می داند بر قسمتی از اراضی و مراتع گیزاب ولایت دایکندی به راه انداخته با تکیه بر تفنگ طالب، حدود ۴۰۰ خانواده را از سرزمین آبائی و محل زندگی شان به زور و اجبار به کوچ واداشته و برای ۴۰۰ فامیل دیگر نیز در حدود دوهفته وقت داده تا آنها نیز محل را ترک و به جای دیگری بروند.

بروز چنین وقایعی در کشوری مانند افغانستان که اولاً اسناد مالکیت معتبر دارای ثبت محفوظ در آن کم است، در ثانی فساد بیروکراتیک همیشه بستری برای ساختن قباله های جعلی بوده است، ثالثاً از زمان امیر عبدالرحمان جلال بدین سو، جهت بقای حاکمیت از طریق ایجاد خصومت و دشمنی بین اقوام مختلف و باشندگان محل های دور دست زمینه سازی شده است و رابعاً در جریان ۴ دهه اخیر بر مبنای جنگهای چندین بعدی، حاکمیت ها هم در مرکز و هم در ولایات تغییر خورده، در نتیجه وابستگان هر حاکمیتی تلاش نموده تا آنچه را خود "حق" می داند با تکیه بر حاکمیت خودشان تطبیق دارند؛ امری نیست که به ندرت اتفاق افتاده باشد و یا هم غیر قابل پیشبینی باشد، آنچه در وقایع اخیر ولایت دایکندی از نظر من مهم است در کنار بیجا شدن و آواره شدن ۸۰۰ خانواده که به صورت متوسط هرگاه هر خانواده ۵ تن شمار شود، در کل به بی سرپناهندگی ۴۰۰۰ تن از نادرترین و فقیر ترین هموطنان ما منجر می گردد، وارد نمودن پای "محمد محقق" به این ماجرا است.

این مسأله زمانی ارزش خاصی پیدا می نماید که بدانیم ولایت "دایکندی" در کل هیچ گاهی از جمله مناطق نفوذ "محمد محقق" نبوده؛ بلکه این ولایت برحسب تقسیم بندی بین جنگسالاران قوم هزاره، به آن بخش از "حزب وحدت" تعلق داشته که در رأس آن "کریم خلیلی" و "سرور دانش" قرار داشتند. اینک وقتی دیده می شود که خلاف سکوت "سرور دانش" و "خلیلی" در مورد این قضیه، "محمد محقق" بعد از یک تمهید و برآمد ظاهراً خانوادگی، مورد الطاف روسها قرار می گیرد و نه تنها با وی مصاحبه به وسیله "سپوتنیک" می شود تا از موضعش مردم را در قبال مسأله گیزاب مطلع سازند، بلکه این امکان را نیز در دسترسش قرار می دهند تا به پاسخ رسانه های مجازی نیز بپردازد، ذهن انسان را بیشتر به خود معطوف می دارد.

بدر نظر داشت این که روابط "محمد محقق" با رژیم "ولایت فقیه" محکمتر از رابطه با روسها بوده و این مسأله را "محقق" هیچ گاهی مخفی نداشته بلکه صریحاً اعلام داشته است که منافع رژیم "ولایت فقیه" را برتر از منافع کشور ما افغانستان می داند و با در نظر داشت این که همین اکنون در افغانستان نیست و در هرکجائی که زندگانی می نماید، مهمان دولت پاکستان و یا کدام کشور دوست پاکستان است، وقتی خبرنگارها بعد از قضیه گیزاب به سراغش می روند، می باید از خود پرسید، در پس این مراجعه چه نهفته است؟

چرا رژیم "ولایت فقیه" خود وارد میدان نشده و آغازگر مصاحبه با وی نشده است؟ آیا روسها با اجازه اخوندها اینکار را انجام داده اند و یا چون دست خود را خالی احساس نموده از این مهره رژیم "ولایت فقیه" استفاده کرده اند؟ هرچند لحن "محقق" در مصاحبه زیاد درشت و رزمجویانه نیست و حتا دیگران را به "غیر از جنگ" سوق می دهد، مگر با در نظر داشت روابط عمیق "لشکر فاطمیون" با "محقق" و این که "محقق" هیچ گاهی این روابط را انکار ننموده، آیا این مراجعه و مصاحبه با لحن آرام، پیش درآمد اعلام فعال ساختن "لشکر فاطمیون" است در صورتی که طالب با سیاست های هزاره ستیزانه اش دوام دهد؟ و ده ها سؤال دیگر از همین سنخ!

هموطنان گرامی!

به هر قوم، زبان، نژاد و مذهبی که تعلق دارید، این نکته را باید همه بدانیم که به همان سان که بین تمام اقوام، مذاهب، زبانها و نژادها، انسانیهای شریف، خوب، ملی و وطندوست وجود دارد، خاین، جنایتکار، منفعت طالب، قوم فروش و وطنفروش نیز می تواند وجود داشته باشد، پس باید بکوشیم در هر موردی و قبل از اتخاذ هر موضعی به گفته معروف "صدبار گز کنیم و یک بار ببریم" یعنی به قدر کافی فکر نموده، بعداً له و یا علیه این و یآن فرد موضعگیری نمائیم و نگذاریم عناصر وطنفروش از نیت نیک و هدف مقدس خدمت ما به خلق سوء استفاده نمایند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!